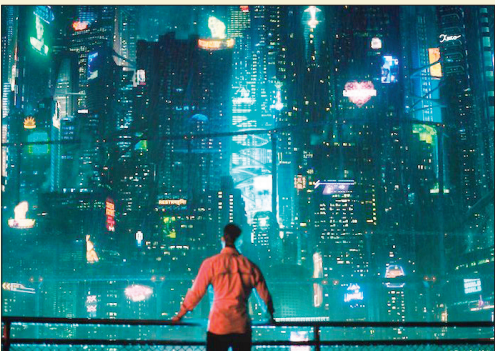


ایرانی ها چه رویایی در سر دارند؟

سلسله نشست‌های «ایرانی‌ها چه رویایی در سر دارند؟» با هدف آشنایی با اندیشه و برنامه پژوهشی اندیشمندان انقلاب اسلامی و به همت پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی برگزار می‌شود. در جلسه اول این نشست اندیشه و برنامه پژوهشی رضا داوری اردکانی، حسین کجویان و حمید پارسانیا بحث و آرا و نظرات ایشان به ترتیب توسط سیدمهدی ناطقی، سیدحسین شهرستانی و قاسم ابراهیمی‌پور ارائه خواهد شد. اولین نشست این سلسله جلسات روز پنجشنبه ۲۷ دی‌ماه، از ساعت ۹ تا ۱۴، در محل تهران، انتهای خیابان سمیه، نرسیده به حافظ، حوزه هنری، پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی، سرای شهید آوینی برگزار می‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند برای ثبت‌نام و کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۰۹۱۲۷۶۴۷۸۲۷ تماس حاصل کرده یا به آیدی @nadersohrabi۶۶ در پیام‌رسان‌ها در تماس باشند.

یادداشت

تزلزل در محکmat منطق توسعه و ضرورت‌های منطق جایگزین



غرب بر آن است که مسیر پیموده خود را به عنوان تنها راه توسعه و پیشرفت نشان دهد و معمولاً این مسیر طی شده در قالب برنامه‌های توسعه به جهان معرفی می‌شود. در مقابل این نگاه؛ کسانی هستند که مسیر دیگری جز توسعه غربی را به عنوان راه رشد معرفی می‌کنند. مسیری که می‌خواهد راه خود را از توسعه غربی جدا کند، باید مشتتمل بر لوازمی باشد که در این مطلب بنا داریم به توضیح آن بپردازیم. ذکر این نکته لازم است که لوازم توسعه غربی است که موجب بحران در توسعه شده و البته کشورهایی که از الگوهای توسعه تبعیت می‌کنند را نیز با آن بحران‌ها درگیر کرده است. بحران‌هایی مثل فروپاشی اجتماعی و آلودگی محیط‌زیست و...

یکی از لوازم نو؛ در بحث از اتوپیا/آرمانشهر است. آرمان و اتوپای توسعه؛ ظواهر تمدنی غرب است که باید از آن تقلید کرد. سودانگاری؛ منفعت‌انگاری و فردگرایی، مشخصات اتوپایی توسعه غربی است. این درحالی است که منطق پدیل، وجوه اتوپایی آن را می‌شکند و به دنبال خروج از این تقلید است. البته انتقاد سلبی صرف به توسعه هم، منجر به رشد آن می‌شود. برای نمونه انتقادات سلبی به توسعه اقتصادی منجر به ارائه نسخه‌های دیگری از توسعه با عنوان توسعه انسانی شد و همچنین انتقادات سلبی محیط‌زیستی به آن، منجر به شکل‌گیری نسخه‌های توسعه پایدار شد.

لازمه دوم، در مبنایی است که اتخاذ می‌شود. مبنای توسعه بر گفتمان منفعت‌طلبی؛ استیلاجویی و قدرت‌طلبی انسان است که ریشه در اومانیسیم جدید (غیر از اومانیسیم رومی یا کلیسایی) دارد. نتیجه این گفتمان؛ تبدیل «انسان سرمایه‌دار» به مبدأ تحولات اجتماعی در طول تاریخ است. در مقابل این تلقی باید که مبنایی دیگر در کار آید که کثرت و تکثر آرا و افعال را درعین کثرت، به وحدتی بازگرداند و آشفتگی‌ها و آشوب‌ها را با نظر به آن مبنا، حل و فصل کند.

سومین لازمه منطقی جایگزین توسعه، مربوط به نوع رابطه‌ای است که با هویت ملی و سنت کشور‌های هدف برقرار می‌شود. در منطق توسعه، برجسته‌ترین عامل توسعه‌نیافتگی، سنن کشور‌های هدف است به همین دلیل با باید سنت و هویت ملی را انتخاب کرد یا توسعه را. استیگلیتز توسعه را حرکت از فرهنگ‌ها و بسترهای سنتی به سمت فرهنگ مدرن تعریف می‌کند. نظر غالب این است که اروپا نیز به همین صورت پیشرفت کرده است. وژاکس نیز معتقد است: «گفتمان توسعه متضمن نوعی جهان‌بینی غربی است که طبق آن همه ملت‌ها باید مسیر یگانه کشور‌های غربی را دنبال کنند و این همان غربی کردن جهان است. این تعصب موجب از بین رفتن هر نوع تنوع فرهنگی است. با این ترتیب، در پس گفتمان توسعه، قوم‌مداری و قدرت‌محوری غربی خفته است. به موجب این نوع نگاه، هر جا که استعمار حاکم شد، در مرحله اول اقدام به طرد زبان بومی و رسمی کردن زبان لاتین کرد. اما در منطق پدیل، نباید خرده‌فرهنگ‌ها و سنت‌ها را طرد و نابود کرد. بلکه باید دانست این آینده است (و نه حال یا گذشته) که به میراث و سنت معنا می‌بخشد و فروستگی افق مدرن و پایان رویای مدرن، مانع آن است که اتوپای مدرن «افق آینده» درنظر گرفته شود چرا که آرزوهای عصر روشنگری، هرگز محقق نشد. منطق جایگزین دیگر نمی‌تواند وضع اتوپستی بگیرد و وعده‌هایی شبیه وعده‌های روشنگری بدهد و طبعاً در عالم فکر و نظر، این وعده‌ها به شوخی نزدیک است.

لازمه چهارم منطق جدید، به مساله آزادی مربوط است. توسعه از طریق گسترش آزادی‌های فردی اقدام به نفی آزادی‌های معنوی کرد. این نفی و انکار دیگری به وجه است؛ تا آنجا که در عالم مدرن، برای درمان عوارض توسعه، دست به دامان خرافات نیز شده‌اند؛ چرا که می‌تواند به تسکین آلام بشر کمک کند!

حوزه در پاسخگویی عقب است

علیرضا پیرومند حوزه‌ها نسبت به پاسخگویی به نیازمندی‌های جمهوری اسلامی عقب هستند و نمی‌توانند چه در عرصه ملی و چه در عرصه فراملی، میدان‌هایی که انقلاب اسلامی برای بسط اسلام فراهم کرده‌است را به اندازه کافی پوشش دهند. ولی اینکه در مسیر و تکاپوی این مساله هستیم و عده‌ای از مدیران حوزه‌ها در دغدغه‌اراداردن تلاش می‌کنند، برای اینکه این فاصله کم‌شود.



جلسه نقد و بررسی کتاب «فقه و حکمرانی حزبی» اثر داود فیرحی، استاد اندیشه سیاسی دانشگاه تهران، با حضور مولف و احمد نقیب‌زاده، عضو هیات علمی این دانشگاه روز سه‌شنبه بعد از ظهر در دفتر نشر نی برگزار شد. فقه و حکمرانی حزبی آخرین اثر منتشر شده از فیرحی است که در سال ۹۶ وارد بازار نشر شد. کتاب دو جلدی «فقه و سیاست در ایران معاصر»، «قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام»، و «در آستانه تجمده» از دیگر آثار این استاد دانشگاه است که توسط نشر نی منتشر شده‌است. فیرحی در این نشست از به اتمام رسیدن کتاب جدیدش با موضوع فقه و قانون در دوماه آینده خبر داد.

+++

در ابتدای این نشست، داود فیرحی با ارائه گزارش کوتاهی از کتاب، سخنانش را آغاز کرد. او با بیان اینکه این کتاب در ادامه پروژه‌اش درباره «نسبت مذهب و سیاست در ایران» است، گفت: «بخشی از این مباحث به دو مفهوم «قانون» و «حزب» برمی‌گردد و در واقع کتاب فقه و حکمرانی حزبی و کتاب بعدی من در مورد قانون دو قلو هستند.»

فیرحی با اشاره به اینکه جامعه ایران از دوره مشروطه تا الان با پدیده‌ای به نام حزب مواجه بوده که هر وقت آن را از در بیرون کرده از پنجره به داخل آمده است، به مخالفت‌ها نسبت به حزب اشاره و اظهار کرد: «مخالفت‌ها با حزب از چند جهت و از جمله از زاویه مذهب بود. بعد از انقلاب اسلامی، جامعه با پارادوکسی در مورد حزب مواجه بود. بعضی از رهبران بزرگ انقلاب، حزب تشکیل دادند و از درون این حزب هم سایر احزاب به وجود آمدند و همان‌طور که می‌دانید اکثر موسسان احزاب فعلی از اعضای حزب جمهوری ما ملهم از آن بودند. بنابراین از طرفی حزب تشکیل شده بود اما از طرفی هم توضیح چندانی در خصوص حزب و نسبت دانش‌های فقهی و حزب نبود. مشهورترین و مهم‌ترین شخصیتی که روی این موضوع کار کرده بود، شهید بهشتی بود که به عنوان دبیر کل حزب و همین‌طور توربسیسین این حزب در کتاب «مواضع ما» و در سخنرانی‌های تشکیلاتی‌اش در مورد حزب صحبت کرده بود و غیر از این چیزی نداریم.»

فیرحی در ادامه با بیان اینکه تعداد زیادی از نیروهای مذهبی با مفهوم حزب مخالف بودند، گفت: «استدلال اینها از دو زاویه بود. برخی می‌گفتند حزب یک نهاد تفرقه افکنی است که وحدت جامعه را مورد خدشه قرار می‌دهد و برخی هم از زاویه نظریه ولایت فقیه مخالف بودند و برخی هم اساساً با دموکراسی مخالف بودند و در نتیجه با حزب هم مخالفت داشتند.» فیرحی افزود: «من در این کتاب کوشش کردم تا رابطه فقه و حکمرانی حزبی را توضیح دهم.» او با اشاره به اینکه در این کتاب کوشش کرده‌است قالب بحث‌های فقهی را رعایت کند، گفت: «فقه از قدیم روی یک دوگانه ایستاده است و در واقع دستگاه‌های فقهی در مواجهه با هر مساله‌ای دو نوع تحلیل دارند. اول سوال از موضوع است. یعنی مثلاً پرسش می‌شود که ماهیت حزب چیست و دوم اینکه حکم این موضوع چیست و از احکام خمسه شرعی آیا در حوزه حرمت است یا در حوزه واجبات یا... این دوگانه «شناخت موضوع» و «شناخت حکم» در دستگاه‌های فقهی وجود دارد و معمولاً در بخش اول یعنی موضوع‌شناسی تحلیل‌ها به سمت «عرف» می‌رود اما در بخش دوم مباحث «هنجاری» مطرح است. این کتاب هم از همین جنس است و از جنس جامعه‌شناسی یا روانشناسی حزب یا سیاست‌گذاری حزب نیست.»

فیرحی با اشاره به ارتباط نزدیک با نقیب‌زاده و استفاده از مشاوره شفاف‌هی و همین‌طور کتاب «احزاب و گروه‌های ذی‌نفع» او در این پروژه، گفت: «در بخش اول این کتاب که مربوط به موضوع‌شناسی است کوشش کردم تا از «نظریه بازی‌ها» استفاده کنم و در حزب متاخر جمهوری اسلامی و توده‌را هم بررسی کردم تا قالیی از آن آزاد کنم و این میان مذهبی یا غیرمذهبی بودن حزب برایم اهمیتی نداشت و حزب به ما هوی حزب برای من موضوعیت داشت؛ مثلاً اینکه حزب دارای ایدئولوژی است. بنابراین تلاش کردم این قالب را به سنت فقهی ارائه دهم و آن را دنبال کنم.»

فیرحی با اشاره به سابقه تشکیل حزب در جهان اسلام اظهار داشت: «مسلمانان چه در ایران در زمان مشروطه و چه در سایر کشورها از جمله افغانستان، مصر، تونس و ترکیه حزب‌های زیادی تشکیل داده‌اند اما در مورد دانش مربوط به حزب و نسبت آن با دانش‌های مذهبی کار خاصی نشده‌است.»

وی افزود: «این کتاب تلاش می‌کند تا در این حوزه تولید ادبیات

اندیشه

سیاست‌های نئولیبرالی مسبب هرج و مرج اقتصادی

حسین راغفر با مراجعه به قانون اساسی می‌بینیم که مسئولیت حکومت فراهم کردن شغل برای آحاد مردم است. اما بعد از جنگ شاهد هستیم که قانون اساسی به کلی کنار گذاشته شد و این هرج و مرج اقتصادی که امروز شاهد آن هستیم به این دلیل است که در سه دهه اخیر، دولت‌های ما سیاست‌های اقتصاد نئولیبرالی را پیاده کرده‌اند.



متافیزیک یونانی از زرتشت تأثیر گرفته است

بیتن عبدالکریمی اندیشه‌های خاورمیانه‌ای، شرقی و به ویژه ایرانی بر یونانیان اثر گذاشته است. تأثیرپذیری یونان عصر متافیزیک از فرهنگ شرقی و اندیشه باستانی آن مثل زرتشت را باید جدی بگیریم تا بفهمیم چگونه امکان تفسیر دینی از فلسفه افلاطون وجود دارد. اساساً به نظر تعبیر «امکان» تعبیر درستی است.



احمد نقیب‌زاده در نشست نقد و بررسی کتاب «فقه و حکمرانی حزبی» اثر داود فیرحی مطرح کرد

بومی‌سازی و اسلامی‌سازی یعنی همین!



بالاخره چگونه می‌توان در یک نظام مذهبی حزب را مطرح کرد و چگونه می‌توان بین مصالح جامعه از یک طرف و اصول مذهبی و احزاب سیاسی از سوی دیگر ارتباط برقرار کرد. این مثلث به خوبی در این کتاب توضیح داده شده است و نوآوری آقای فیرحی هم این است که مطلب را شسته و رفته مطرح کردند و رابطه جامعه اسلامی ایران را با حزب بررسی کردند.» نقیب‌زاده با بیان اینکه در مواردی بر این کتاب نقد وارد است که ایشان از این موضوع خارج شده‌اند و به حاشیه رفته‌اند، اضافه کرد: «مثلاً اساسنامه احزابی مثل توده و جمهوری اسلامی یا احزابی که در دوره مشروطه تشکیل شده‌اند را بررسی کرده‌اند در صورتی که اگر این کار را هم نمی‌کردند و صرفاً همان رابطه فقه و حکمرانی حزبی که موضوع مرکزی کتاب بود می‌پرداختند، بهتر بود.»

استاد دانشگاه تهران در ادامه گفت: «جایی که به حزب پرداختند و آن را واژه‌شناسی کرده‌اند هم از جمله نقاط قوت کتاب است. البته در حضور آقای دکتر که ما با هم دوست هم هستیم، نقد سخت است اما به نظر من اگر به علت پیدایی و ضرورت حزب پرداخته شده بود مناسب‌تری داشت. مثلاً اینکه به چه دلیل باید در جامعه ما حزب مطرح شود و ما چرا باید به دنبال حزب برویم و گره آن را باز کنیم. جایی که انتخابات هست بحث حزب به مطرح خواهد شد و طبیعتاً رابطه‌ای که بین انتخابات و حزب وجود دارد ما را مجبور می‌کند که جایگاه و پایگاه حزب را در نظام خودمان مشخص کنیم.»

نقیب‌زاده با بیان اینکه نظام ما یک نظام دوگانه است و ما بسیاری چیزها را از غرب گرفتیم، اضافه کرد: «انتخابات، احزاب سیاسی، ریاست جمهوری، جنبش زنان و حتی وزارتخانه‌ها تا حدی غربی است و اساساً وقتی از گوشه‌ای وارد شدیم و بخشی را پذیرفتیم، مجبوریم به سویه‌های دیگر هم بپردازیم؛ یعنی اگر شما انتخابات را بپذیرفتید باید به دنبال آن احزاب سیاسی را بپذیرید و سیستم حزبی را تعریف کنید و قانون احزاب را وضع کنید. این دوگانگی در کشور ما مشکل‌زا است و هرچه جلوتر روم این مساله خودش را بیشتر نشان می‌دهد و ضرورت و جدی بودن حزب خودش را بیشتر تحمیل می‌کند و نمی‌گذارد که شما مثل گذشته رفتار کنید و از مسائل باپرده‌پوشی بگذرید. به‌طور کلی ما مجبوریم یا یک ترکیبی بین سیستم غربی و اسلامی به وجود آوریم و تعریف کنیم یا در آینده جایی بین سنت و مدرنیته انجام خواهد شد و یکی دیگری را کنار خواهد زد و راه دیگری نداریم.» عضو هیات علمی دانشگاه تهران با بیان اینکه کاری که دکتر فیرحی کرد برای دستگاه حکومت بسیار ارزنده است و البته حق و حقوق ایشان را هم در مشت‌شان می‌گذارند، اظهار داشت: «ایشان تا به حال دوسه کار کرده‌اند که باید به حساب‌شان رسیدگی کرد. یکی اینکه درس‌هایی که در دانشکده بچه‌ها با آن یا کم لطفی بر خورد می‌کردند را در سطوح عالی تدریس و در ردیف درس‌های مهم دانشکده مطرح کردند مثل حکمرانی یا اندیشه‌های سیاسی در اسلام. این کار حزب را هم باید بسیار مورد استقبال قرار دهیم چون اگر قرار است بومی‌سازی و اسلامی‌سازی اتفاق بیفتد راه‌ش این است که یک محقق از روی عقیده خودش سیستم سیاسی را بررسی کند و از روی علاقه به آن بپردازد.»

این نشست با پرسش و پاسخ حضار پایان یافت.

حزبی نشان داده است که اگر قانون انتخابات کمی تغییر کند حزب جان می‌گیرد یا شل می‌شود، تأکید کرد: «مشکل احزاب در خود حزب نیست بلکه در قانون انتخابات است. برخی تحلیل می‌کنند که قانون انتخابات، قانون اساسی دوم کشور است و دروازه یا راهی است که از مسیر آن قانون اساسی اجرا می‌شود یا معطل می‌ماند. بنابراین قانون انتخابات همیشه مهم است و مشکلی که ما الان در مساله حزب داریم در واقع با قانون انتخابات است و در کتاب توضیح دادم که این مشکل اصلاً فقهی نیست و دستگانه‌های فقهی مانع نیستند بلکه یک تصمیم غیر فقهی که در سیستم انتخابات وجود دارد، مانع ایجابی کند، «فیرحی در بخش پایانی سخنانش گفت: «نه تنها در صورتی که اگر این کار را هم نمی‌کردند و صرفاً همان رابطه فقه و حکمرانی حزبی که موضوع مرکزی کتاب بود مجمع تشخیص مصلحت هم به نظر می‌رسد حزب به عنوان یک نیروی محرکه در انتخابات دیده نشده است بلکه در بهترین حالت به عنوان نیرویی کمی می‌تواند تنور انتخابات را گرم‌و‌هیجان را ایجاد و همچنین مردم را به شرکت در انتخابات تشویق کند، در نظر گرفته می‌شود.»

وجود حزب یک نیاز و ضرورت است

در ادامه این نشست احمد نقیب‌زاده، عضو هیات علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران به سخنرانی پرداخت. نقیب‌زاده با بیان اینکه از ابتدا در جریان کار فیرحی و شروع کتاب بوده است، گفت: «ایشان به جاهای خوبی رسیده‌اند و اگر قرار است که علم بومی یا اسلامی شود لازم‌اش این است که شخصی از حوزه آستین‌ها را بالا بزند و چند و چون حزب را از زاویه فقه نگاه کند و اجتهادی را هم انجام دهد تا مطلب روآمد شود و خیلی پشت دروازه‌های قرون گذشته نمانیم.» نقیب‌زاده با اشاره به زمینه‌های پیدایش حزب در غرب گفت: «اگر گمان کنیم در غرب هم با آغوش باز حزب را پذیرفتند، اشتباه کردیم. اساساً حزب را یک مقوله فراماسونری و پنهان کاری می‌دانستند که وحدت جامعه را به هم می‌زدند و معلوم نیست کارهایی که انجام می‌دهد به نفع جامعه باشد یا نباشد. اما جالب بود که در همین فضا حزب رشد می‌کرد و حتی کسانی مثل دانتون که می‌گفت حزب فقط یک حزب و آن هم حزب مردم فرانسه، خودش حزب تشکیل داد. یعنی هم‌زمان که با حزب مخالفت می‌کردند به دنبال تشکیل حزب هم بودند. اینکه هر چه حزب را از در می‌رانند و از پنجره وارد می‌شد قاعدتاً نشان دهنده این بود که حزب باید معلول یک ضرورت و یک نیاز در جامعه باشد.»

این عضو هیات علمی دانشگاه تهران بعد از بیان تاریخچه حزب در اروپا به بررسی کتاب پرداخت و اظهار داشت: «کاری که دکتر فیرحی انجام داد خیلی ارزنده بود البته من انتقاداتی هم نسبت به کتاب دارم. مهم‌ترین کاری که ایشان کردند این بود که رابطه فقه و حکمرانی حزبی را از نظر شرع برای ما روشن کردند که

داشته باشد. در این کتاب توضیح داده شده که از کدام بخش از دانش‌های فقهی برای تبیین این رابطه می‌توان استفاده کرد. مثلاً در فقه حوزه‌هایی در مورد «سابقه» وجود داشت که در آن از «سبق و رمایه» صحبت شده بود که شبیه به «بازی حزب» بودند و من از اینها استفاده کرده و با کمک آنها سعی کردم رابطه حزب و دانش‌های فقهی را بررسی کنم.» این استاد دانشگاه تهران با اشاره به اینکه وقتی در مورد حزب و بازی‌های حزبی صحبت می‌شود یک پیش فرضی وجود دارد و آن هم یک نوع سیاست مبتنی بر قرار داد یا سیاست مبتنی بر رقابت‌های انتخاباتی است، گفت: «یعنی در جامعه‌ای که رقابت انتخاباتی نیست، حزب دچار ابهام می‌شود. من تلاش کردم نسبت حزب با سازمان زندگی، حقوق مشترک و نسبت حزب با مفهوم وکالت و نمایندگی را بررسی کنم و در این بررسی هر کدام را به استدلال‌های فقهی ارجاع دادم.»

فیرحی با بیان اینکه در کشورهای اسلامی پنج مدل مواجهه با حزب اتفاق افتاده است، اظهار داشت: «مثلاً در برخی کشورها اساساً حزب را منع کرده‌اند. در برخی کشورها حزب را مجاز اعلام کردند اما به آن بها ندادند. مثلاً در قانون احزاب سال ۱۳۶۰ کشورمان، تشکیل احزاب مجاز شده اما در مورد اتصال و ربط این احزاب با دولت صحبتی نشده است، یعنی فقط اجازه تشکیل حزب داده شده و در مورد وارد شدن حزب در قدرت سیاسی اجازه‌ای داده نشده است. حتی قانون ۱۳۹۵ هم هنوز چنین وضعیتی دارد، یعنی شهروندان مجازند حزب تأسیس کنند اما رابطه این احزاب با مجلس، ریاست جمهوری، رهبری و... توضیح داده نشده است.»

فیرحی افزود: «اما در بعضی مدل‌ها از تشویق صحبت شده است. یعنی در برخی از کشورها اجازه می‌دادند و کم می‌کردند تا احزاب وارد دولت شوند. مدل دیگر در برخی از کشورها از جمله ترکیه و تونس است که اساساً نظام را حزبی می‌دانند و معتقدند شما نمی‌توانید بدون تشکیلات حزبی قانونگذاری داشته باشید و بر خلاف کشور ما که مثلاً در آن شورای نگهبان به کاندیدای حزب به عنوان کاندید حزب نگاه نمی‌کند و او را منفرد در نظر می‌گیرد و صلاحیت او را بررسی می‌کند، در این کشورها سیستم انتخاباتی حزبی است.» فیرحی با بیان اینکه ممکن است قانون اساسی ما مشکلاتی داشته باشد که دارد، گفت: «اما بعضی موارد با همین قانون موجود هم قابل حل است. به عنوان مثال شورای نگهبان برای احراز شرایط وکالت می‌تواند به شورای مرکزی احزاب ارجاع دهد، چرا که حزب با مجوز قانونی وزارت کشور تشکیل شده است و موسسان آن هم از همه فیلترها عبور کرده‌اند اما چرا شورای نگهبان این کار را نمی‌کند؟ چه اشکال شرعی وجود دارد که احراز صلاحیت این افراد به خود حزب باز نمی‌گردد؟ این در همه کشورها وجود دارد.»

مولف کتاب فقه و حکمرانی حزبی با اشاره به اینکه مطالعات

احمد نقیب‌زاده: ما مجبوریم یا یک

ترکیبی بین سیستم غربی و اسلامی به

وجود آوریم و تعریف کنیم یا

در آینده جنگی بین سنت و

مدرنیته انجام خواهد شد و

یکی دیگری را کنار خواهد

زد و راه دیگری نداریم

